

بسم الله الرحمن الرحيم

*اعتكاف مدل تربیتی

اعتكاف از عبادت های مهم اسلامی است که به ویژه پس از انقلاب اسلامی بسیار گسترش یافته و موج جدید معنویت خواهی را پدید آورده است. اعتكاف نوعی کناره گیری از فضای متداول زندگی است برای این که انسان خلوتی داشته باشد و زمینه حضور و قرب الی الله برای او حاصل شود.

جایگاه مسائل اجتماعی در مدل تربیتی اسلام

در مناسک مذهبی و عرفانی مکتب اهل بیت (علیه السلام) یک نکته محوری وجود دارد و آن، پیوند این مناسک و مراسم با ولایت است. در اعیاد قربان و غدیر و فطر که مهمترین اعیاد شیعه هستند، در همه مناسک، توجه به مقصد وجود دارد. بنابراین در فضای فرهنگ اسلام مناسک عرفانی و معنوی ای که به ما آموزش داده شده، متفاوت با معنویت های دیگر به خصوص معنویت های نوظهور است. عرفان اسلامی ما را فقط به یک فضای درون گرای فردی دعوت نمی کند، بلکه بستری برای توجه به مسائل اجتماعی اسلام است.

گاهی اخلاق اسلامی به گونه ای تعریف می شود که مثلاً توجه به طبیعت انسان جزء اخلاق اسلامی به حساب نمی آید! در حالی که همان امامی که دستور اخلاق می دهد، دستور تغذیه و بهداشت هم می دهد. اگر مدل تربیتی انسان را به نحو عام در نظر بگیریم بخشی از آن، پرورش روح انسان، بخشی هم، پرورش جسم انسان و بخشی هم، مسائل اجتماعی است؛ مثلاً وقتی حضرت مولی الموحدين، محمد بن ابی بکر را توبیخ می کنند، می گویند: چرا آن وقت که دشمن به تو حمله کرد، شمشیرت در دستت نبود! یعنی انسانی را که امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرورش می دهد کسی است که پیوسته در مقابل دشمن، آماده و اهل محاسبه باشد، نقشه دشمن را بداند و شمشیر هم در دستش باشد. حضرت نمی خواهد انسانی تربیت کند که به درون گرایی صرف، توجه کند.

مدل تربیتی اسلام، یک مدل عام است؛ هم به بهداشت جسمی، هم به بهداشت روانی و هم به مسائل اجتماعی توجه می‌کند. در مهم‌ترین اعیاد، به وجود مقدس امام زمان و امان نامه‌های حضرت توجه می‌شود. این بدان معناست که همه این مناسک می‌خواهد ما را به اقامه ولایت دعوت کند. همه پرورش‌ها در بستر اخلاقی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) به توجه به ولی خدا منتهی می‌شود؛ یعنی اگر اخلاق و تربیت در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را تعریف کنیم باطن و سر آن، سجود در مقابل خدای متعال و رسیدن به مقام سجده و تولی و تبری است؛ فضیلت‌های اخلاقی و مناسک عملی، مجاری و مناسک تولی و تبری و رسیدن به مقام توحید هستند. در فرهنگ اسلام هیچ‌گاه نباید اخلاق را جدا از تولی و تبری بدانیم. همه آداب عملی، اعتقادی و روحی که در دین آمده و ما را دعوت کرده‌اند تا مؤدب به آن آداب باشیم به «تولی و تبری» بر می‌گردد و این «تولی و تبری» هم به "حُبَّ و بُغْض" گره خورده است؛ «هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ وَالْبُغْضُ» (۱) این اصل، نقطه افتراق اخلاق اسلامی از اخلاق‌های دیگر است که متأسفانه برخی کتب اخلاقی اسلامی کم‌تر به آن توجه کرده‌اند. (مثلاً مدل‌های اخلاقی که در برخی کتب اخلاق اسلامی وجود دارد چهار قوه ترسیم می‌کنند و حاکمیت کامله را نقطه اعتدال نفس در این چهار قوه می‌گیرند، اما این بحث با معارف دینی ما فاصله دارد)

اعتکاف به عنوان نوعی عرفان فردی و اجتماعی

اعتکاف یک مناسک معنوی است که باید در چهارچوب مدل تربیتی اسلام به آن توجه شود. البته اهل دنیا هم اعتکاف‌های دنیوی دارند و مردم را از فضای زندگی جدا کرده و تفریح‌های مستمری برایشان تعریف می‌کنند. شهربازی‌هایی در غرب وجود دارد که وقتی کسی وارد آن می‌شود چند روز طول می‌کشد تا بیرون بیاید! و آنها در آن چند روز، مشغول تفریح و تفرج هستند. آن اعتکاف، دنیایی است؛ انواع لذت‌ها و بهجت‌های جدید توأم با ترکیب حالات ایجاد می‌کنند و تنوع در لذت جویی به وجود می‌آورند. در اعتکافات جامعه اسلامی

هم فرد از فضای عادی زندگی جدا می شود و به فضای خلوتی می رود و مناسکی را رعایت می کند تا بتواند به تربیت اسلامی برسد.

البته تربیت اسلامی، نوعی عرفان جمعی و تهذیب و پرورش روابط اجتماعی و دعوت به حضور در بستر ولایت اجتماعی است. این بستر ولایت باید به بستر تهذیب، تبدیل شود. تفاوت حرکت امام خمینی (رحمه الله) با عرفای دیگر همین بود که ایشان عرفان را در مقیاس اجتماعی دنبال می کردند؛ لذا امواج اجتماعی انسان های راه یافته را به وجود آوردند که نمونه آن، شهادتی بودند که به قول ایشان، ره صدساله را یک شبه طی کردند. بنابراین، اعتکاف را باید در چهارچوب مدل عرفان و اخلاق اجتماعی اسلامی و معطوف به عرفان اجتماعی تعریف کرد نه اخلاق فردی درون گرایانه. در این جهت باید کار کرد که چگونه فرد را از فضا و محیط عادی زندگی خودش جدا کنیم اما او را به درون گرایی فردی و شخصی غیرمرتبط با نظام ولایت اجتماعی نکشانیم، بلکه وارد یک فضای پرورش اجتماعی جدید کنیم تا در عین تهذیب شخصی، نگاه دیگری به جامعه و روابط اجتماعی و حرکت های جمعی داشته باشد. از این منظر، اعتکاف، یک نقطه عزیمت فردی و اجتماعی به سمت معنویت است. امتیاز معنویت اسلامی با معنویت مکاتب دیگر در این است که معنویت اسلامی، توحیدی و عدالت خواهانه است؛ ازاین رو، اعتکاف نیز شبکه ای است که معنویت و عدالت خواهی را توأمان دنبال می کند.

آداب اعتکاف و محرمات آن، شبیه آداب و محرمات حج است. موطن اعتکاف، مسجد جامع است که محل اجتماع و رفت و آمد مؤمنین و موطن عبادت جمعی است؛ یعنی گرچه اعتکاف، رفتن به انزواست ولی محیط انزوا را مسجد جامع، مسجد الحرام، مسجد النبی (صلی الله علیه و آله)، مسجد کوفه و ... که مرکز مناسک اجتماعی مؤمنین و محل تجمع مؤمنین و تصمیم گیری های سیاسی بزرگ است قرار داده اند؛ نگفته اند که مؤمنین - مثلاً - در غارها اعتکاف کنند! البته توجه به این نکته نباید برنامه ریزی های اعتکاف را به سمتی برد که حال و هوای توجهات معنوی در آن را بکاهد.

سامان دهی شبکه معنویت خواهی بر محور اعتکاف

با توجه به این که روح مناسب اعتکاف، توجه به معنویت است و هم این که ناظر به یک عرفان اجتماعی است، لازم است برنامه های ویژه ای برای آن تنظیم شود.

یکی از اقدامات ضروری و مورد نیاز، گسترش کمی اعتکاف است. در برگزاری مراسم اعتکاف، سهم مطالبات اجتماعی، بیش از ظرفیت پاسخ گویی ماست و باید این ظرفیت، افزون شود؛ بلکه ظرفیت پذیرایی، از ظرفیت مطالبه اجتماعی بالاتر رود. نسبت به برگزاری اعتکاف در ایام خاص دیگر هم باید اهتمام صورت گیرد. در منابع روایی ما موقف اصلی اعتکاف، دهه آخر ماه رمضان اعلام شده است. باید تلاش کرد که اعتکاف در ایام سال منتشر شده و اقامه و احیا شود.

اعتکاف را باید به محور شبکه معنویت خواهی تبدیل کرد و حلقه های مکمل برای آن تعریف نمود. البته سامان دهی و شکل گیری شبکه معنویت خواهی بر محور اعتکاف به برنامه ریزی نیاز دارد که باید در جای خود انجام گیرد. اگر اعتکاف به محور شبکه معنویت خواهی اجتماعی تبدیل شود، می توان جایگاه مساجد را متناسب با این شبکه، تغییر داد. در مکاتب دیگر، احزاب و نهادهای سیاسی مطالبات مردم از نظام و مطالبات نظام را از مردم سامان دهی می کنند اما در شبکه معنویت خواهی، مطالبات معنوی از طریق شبکه مساجد پی گیری می شود.

از سوی دیگر، محتوا و معارفی که در اعتکاف به خصوص به نسل جوان باید ارائه شود، اهمیت زیادی دارد. اعتکاف باید بستری برای شکل گیری نوع دیگری از مطالعات باشد.

یکی از مطالعاتی که برای همگان به خصوص برای نسل جوان بسیار مطلوب و راهگشاست، آشنایی با احوالات بزرگان و زندگی معنوی، اجتماعی و سیاسی آنها است که نقش مهمی در تربیت معتکفین دارد. البته توجه به این محور، امروزه دو آفت پیدا کرده که باید از آنها پرهیز کرد. یکی این که برخی بیش از این که بر محور ایجاد

بصیرت و تکلیف حرکت کنند و نشان دهند که بزرگان چگونه زندگی می کنند و چگونه با صحنه های تکلیف مواجه می شدند و تحمل آنها را در بندگی، سیاست ورزی و بصیرت شان چگونه بوده است، بر محور کرامات بزرگان حرکت می کنند؛ یعنی تا نام بزرگی به میان می آید می پرسند: آیا ایشان طی الارض داشت یا نداشت؟! این گونه مواجهه با بزرگان، صحیح نیست و یک آفت است. طرح گسترده این گونه مباحث، موجب می شود که به مرور، کرامات از محور عالمان و فقههای بزرگ شیعه به محورهای دیگر و جریان های دیگر منصرف می شود که این هم یک انحراف بزرگ است.

آقا زاده مرحوم آیت الله شاه آبادی می گفتند که فردی حدود ۵۰ - ۶۰ سال قبل با یک جمعی به هندوستان رفته بود و آن جا دید که جمعی از مرتاض ها ایستاده بودند و یکی از آنها یک ظرف نجاست گذاشته و یک ساعت آن را هم می زند! و گاهی هم می چشد! او از دیدن این صحنه، حالت تنفر پیدا می کند. مرتاض به او می گوید: این ناپاک تر است یا موقوفه ای را که تو به ناحق می خوری؟! آن فرد خیلی جا می خورد! آقا زاده مرحوم آیه الله شاه آبادی به اینها می گفتند: اگر از این مکاشفات می خواهید: بگوئید که ما هم مثل آن دیگ را تهیه کنیم و هم بنزیم! اما اگر بندگی می خواهید راه و رسم بندگی چیز دیگری است.

خلاصه اگر از این آفت ها پرهیز شود، توجه به احوال بزرگان، بسیار جذاب است و در تهذیب و تربیت معتکفین اثر زیادی دارد. آشنایی با احوال بزرگان به ویژه فقها، باید جزء محتوای اعتکاف قرار بگیرد که این مطالعات، بستری برای مطالعات بعدی در خصوص معصومین (علیهم السلام) و انبیای الهی است.

بحث دیگر، توجه به مباحث آخرالزمان به شکل جذاب و با توجه به دکترین مهدویت برای نظام جمهوری اسلامی ایران است. باید مسائل آینده نگری و اصلاح مباحث آخر الزمانی که از مباحث مهم فرهنگ جهانی است، در دستور کار باشد. معمولاً مناسک مهم عبادی مثل عید فطر، عید قربان، جمعه، غدیر، با توجه به مسئله ی آخر الزمان شکل می گیرد و در مهم ترین اعمال این ایام، توجه به این امور مطرح است.

پایگاه جامع محتوایی هیأت

www.heyat.co